

جراحی بزرگ اقتصاد ایران

سلامت بیمار، پس از جراحی، نهایتاً در گرو آزادی در بخش تولید است.



را در قدرت تولید و عرضه آن می‌داند. اگر تولید رونق داشته باشد، اشتغال بهبود می‌یابد، صادرات توسعه پیدا می‌کند و در نهایت، درآمدها بیشتر می‌شوند. هدفمند سازی یارانه‌ها و اجرای آن نشان از آن دارد که ما الگوی مصرف و تقاضا را

بیشتر در نظر گرفته‌ایم و تولید را از یاد برده‌ایم. اما اگر تولید نباشد و آزاد نشود، نه سرمایه‌گذاری خواهد بود، نه رشد؛ نه اشتغال و نه اقتدار.

ضرر و ناپایداری

مطمئناً هر تولید کننده با انگیزه کسب سود به بازار وارد می‌شود که اگر سود او به قدری کاهش یابد که منفی گردد، راهی جز خارج شدن از بازار برایش باقی نمی‌ماند. در همین یکی دو سال اخیر، آشکارا دیده‌ایم که چه تعداد بنگاه‌های بسیاری در سطح جهان به خاطر ضرر ناشی از بحران مالی محکوم به فنا شده‌اند.

اساساً حساب سود و زیان تولید کننده چیزی جز تراز درآمدها و مخارج او نیست. اگر هزینه‌های تولیدی افزایش یابند، در شرایطی که قیمت‌های فروش، دستوری تعیین می‌شوند، بنگاه اقتصادی در کوتاه مدت تنها به این دلیل که بتواند هزینه‌های ثابتش را پوشش دهد، فعالیت می‌کند، اما در بلند مدت مجبور به ترک بازار خواهد شد. این اتفاق بد به معنای کم‌رنگ شدن تولید داخلی و پُررنگ شدن حضور کالاهای خارجی است. بدتر شدن اوضاع کار و اشتغال، نامناسب‌تر شدن سرمایه‌گذاری و اُفت تولید هم از نتایج این نوع روند تولید در بلند مدت خواهند بود.

هدفمندی یارانه‌ها و آزاد سازی قیمت‌ها از آن جهت مناسب ارزیابی می‌شوند که نظام کنترل شده قیمتی را - که سیگنال‌های غلطی به بازار می‌فرستد - از بین می‌برند و فضا را برای شکل‌گیری اقتصاد آزاد در بازار باز می‌کنند.

تجربه کشورهای دیگر که هدفمندی یارانه‌ها را انجام داده‌اند، این مطلب را تأیید می‌کند. برزیل، هند و چین که امروز توانسته‌اند حرکت توسعه محور داشته باشند، تنها با درک اقتصاد آزاد و حرکت زیر سایه آن توسعه یافته‌اند.

با توجه به موارد برشمرده شده، پیشنهاد می‌کنیم در کنار آزاد سازی قیمت‌ها،

تولید در بند

حساب سود و زیان قبل از هدفمندی		حساب سود و زیان بعد از هدفمندی		ارقام فرضی	
فروش	PQ	۱۰۰	فروش	PQ	۱۰۰
هزینه	-C	-۷۰	هزینه	-(C+H)	-۸۷/۵
سود ناخالص	PQ - C	۳۰	سود ناخالص	PQ - (C+H)	۱۲/۵
مالیات	-T	-۷/۵	مالیات	-T	-۳/۱
سود خالص	PQ - C - T	۲۲/۵	سود خالص	PQ - (C+H) - T	۹/۴

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»

یادداشت ۱: نرخ مالیات معادل ۲۵ درصد سود ناخالص در نظر گرفته شده است.

یادداشت ۲: در جدول فرضی فوق، هزینه‌ها پس از هدفمندی (H) معادل ۲۵ درصد افزایش یافته‌اند.

همه رؤسای جمهور پس از انقلاب، مستقیم یا غیرمستقیم، به "اقتصاد بیمار ایران" اشاره داشته‌اند. یک مرض، پرداخت "یارانه‌های ملی" بوده است که هیچ دلیل اقتصادی - وارد سیاست و مسایل اجتماعی نمی‌شویم - برای آن وجود نداشته است. دولت دهم آستین بالا زده و این قابل قدردانی است. ولی رازهای موفقیت به سرانجام رسیدن این جراحی بزرگ را باید مورد بحث قرار داد.

نگاهی تاریخی به چگونگی پرداخت یارانه در اقتصاد جهان، ما را به دهه ۵۰ میلادی سوق می‌دهد؛ زمانی که دولت‌ها با درک شاخص‌های مهم اقتصادی-اجتماعی همچون رفاه ملی، کاهش فقر و مواردی از این قبیل، دخالت خود را در اقتصاد بیشتر کردند و با بها دادن به سرمایه انسانی - در کنار سرمایه‌های فیزیکی - پرداخت یارانه را در جامعه در قالب مفاهیمی چون اقتصاد رفاه مطرح کردند. به مرور زمان، متغیرهایی چون رشد جمعیت، افزایش مخارج دولتی، بحران بله‌ی برخی کشورها در دهه ۸۰ میلادی - که ایجاد کارایی را در مدیریت اقتصادی مطرح کردند - لزوم بررسی شیوه‌های پرداخت بهینه یارانه‌ها را در اقتصاد مورد واکاوی قرار دادند.

امروز کشور ما در موقعیتی واقع شده است که هر چند دیر، اما سرانجام اهمیت هدفمند سازی یارانه‌ها را دریافته و این مسأله‌ای است بس ارزشمند که می‌تواند با مدیریت یکپارچه و کارآمد، نتایج گرانمایه‌ای را برای کشور پدید آورد. بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، ترمیم الگوی تقاضا و مصرف، رشد تولید، کار آفرینی و اشتغالزایی، همه از نتایج هدفمند سازی یارانه‌ها هستند که می‌توانند در بلند مدت، اقتصادمان را با رشد و توسعه همراه سازند. اما در این مسیر باید نسبت به یک سری از الزامات، توجه بیشتری داشته باشیم.

دخل و خرج مردم

اولین مسأله‌ای که باید به آن توجه کنیم توازن درآمدها و مخارج است. مردم خوب ما سخت‌کوش و پُرتلاش‌اند. لیاقتشان بهترین است و این وظیفه عموم دست اندرکاران اقتصادی کشور است که امکاناتی را در حد ایده‌آل برایشان فراهم آورند. اما مقایسه‌ای بین کشور ما و مثلاً چند کشور منطقه نشان می‌دهد برای آن که به جایگاهی که در شأن مردم کشورمان است برسیم، جا برای کار زیاد داریم.

قدرت خرید در کشور ما در حالی کمتر از برخی کشورهای منطقه و جهان است که هزینه‌ها در ایران، همسطح و حتی بعضاً بیشترند. مثلاً در ترکیه، هزینه اجاره یک دستگاه آپارتمان ۷۰ متری با امکانات کامل (مبله) با مبلغ اندکی ودیعه، چیزی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است، در حالی که اجاره چنین آپارتمانی با همان کیفیت در ایران و کلان شهری چون تهران چه از لحاظ پیش پرداخت و چه اجاره ماهانه، بسیار بالاتر می‌باشد. یا مثلاً درآمد یک کارمند نیمه متخصص در امارات در حدود ۲ میلیون تومان است و رقمی معادل یک دهم از این درآمد را برای مخارج انرژی پرداخت می‌کند، ولی با آزاد سازی قیمت انرژی در کشور، تنها هزینه‌های این بخش در حدود یک سوم از درآمد یک فرد را با همان تخصص، می‌بلعند! جنا از ارقام پایین درآمدها، سطح هزینه‌ها هم واقعاً بالا هستند. بخشی از این هزینه‌های بالا به دلیل اتلافی است که توسط تولید دولتی صورت می‌گیرد. بخشی دیگر هم به دلیل مالیات‌های پنهان بسیار در کشورمان است که باید اصلاح شوند.

دلواپسی برای تولید

برای افزایش درآمدها در کشور باید توجهمان به سمت تولید معطوف شود.

یادداشت ۲: در جدول فرضی فوق، هزینه‌ها پس از هدفمندی (H) معادل ۲۵ درصد افزایش یافته‌اند.

است در دستور کار قرار گیرد.

فراتر از قانون

قطعاً در کشوری که از مزیت مطلق انرژی برخوردار است، فروش حامل‌ها به قیمت‌هایی فراتر از قیمت کشورهای منطقه کار درستی نیست. بر اساس بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، قیمت بنزین با اکتان ۹۵ در پایان دسامبر ۲۰۱۰ - که بیشترین قیمت را در این سال داشته - برابر با ۹۹/۶۹ دلار در هر بشکه بوده است. با احتساب هر بشکه ۱۵۹ لیتر و قیمت هر دلار ۱۰۵۰ تومان، قیمت بنزین فوب معادل ۶۵۸ تومان برای هر لیتر است، در حالی که قیمت بنزین سوپر در کشور ما - آن هم با اکتان ۹۲ که از کیفیت پایین‌تری نسبت به اکتان ۹۵ برخوردار است - ۸۰۰ تومان تعیین شده است. این موضوع از آن جهت نگران‌کننده است که قرار بود قیمت‌ها در یک دوره ۵ ساله آزاد شوند، نه آن که در هفته اول آغاز طرح، قیمت بنزین بیش از فوب خلیج فارس تعیین شود. در قیمت برق، گاز و آب هم ارقام اعلام شده نشان از آزاد سازی سریع و کوتاه مدت قیمت‌ها دارند و این موضوع، نشان می‌دهد که دولت قصد دارد در مدتی بسیار کوتاه این مسیر را طی کند.

مسیر هدفمندی بارانه‌ها مسیری سخت و پُرپیچ و خم، اما بس باارزش است. طی طریق در این مسیر دشوار، نیازمند دقت نظر بسیار و همبستگی فکری و عملی همه ارکان حکومتی و مردمی است. امیدواریم رؤیای ایران توسعه یافته، زیر سایه اتخاذ سیاست‌های درست و روش‌های حساب شده و دقیق محقق گردد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «هدفمندی بارانه‌ها در اقتصاد ایران» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

سیاست‌های همراه (Accommodating Policies) هم در دستور کار مسئولان قرار گیرند تا تولید رو به افول نگذارد. این سیاست‌ها عبارتند از:

- (۱) افزایش ملایم و معقول قیمت فروش برای واحدهای اقتصادی مقصور باشد.
- (۲) سیاست‌های کارآمد بودجه‌ای نظیر کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها و اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری (Investment Tax Credit) توسط خزانه‌داری و وزارت اقتصاد اتخاذ شوند.
- (۳) سیاست‌های پولی مناسبی که باعث افزایش ملایم نقدینگی می‌شوند، توسط بانک مرکزی اتخاذ گردند.
- (۴) کاهش نرخ سود بانکی برای افزایش کار آفرینی در برنامه سیاستی مدیران بانکی قرار گیرد. حتی این کاهش نرخ سود بانکی، باید به گونه‌ای صورت پذیرد که بتواند ریسک سرمایه‌گذاری و فقدان مزیت انرژی ایزان را در ایران توجیه نموده و در نتیجه سرمایه‌های موجود را در منطقه جذب کند.
- (۵) سیاست‌های مالی بهینه و کارآمدی نظیر اجازه فروش اوراق مشارکت به بنگاه‌های بزرگ، انتشار تجمعی اوراق مشارکت برای کار آفرینان کوچکتر و ترمیم اوراق بازرگانی توسط شورای بورس و اوراق بهادار اتخاذ شوند.
- (۶) از بنگاه‌های داخلی در راستای خرید، واردات و بومی سازی تکنولوژی روز و منطبق با قیمت‌های جدید انرژی حمایت شود.
- (۷) سازمان گسترش و نوسازی صنایع از بنگاه‌های تولیدی و صنعتی کشور، هدفمندتر از گذشته حمایت کند.

(۸) اصلاح برخی بندهای قانون هدفمندی همچون ماده یکم که اجازه فروش حامل‌های انرژی را به دولت - حتی فراتر از قیمت‌های فوب و جهانی - اعطا کرده

روندهای جاری در صنعت جهانی اوراق بهادار

سرمشق آتی

ارزیابی آقای علی سنگینیان، معاون مطالعات اقتصاد و توسعه بازار بورس تهران



شرکتی شدن: تغییر ساختار حقوقی بورس‌ها از سازمان‌های عمومی غیرانتفاعی مبتنی بر اعضا به شرکت‌های سهامی انتفاعی و سپس پذیرش در بورس، یکی از مهمترین تحولات صنعت اوراق بهادار در سال‌های اخیر است. عقیده عمومی بر

آن است که با شرکتی شدن بورس‌ها، هزینه‌های دسترسی به بازار کاهش یافته و این موضوع به کاهش هزینه سرمایه برای شرکت‌های پذیرفته شده و کاهش هزینه‌های معاملاتی برای سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. از سوی دیگر، "حاکمیت شرکتی" تقویت می‌شود.

راهبرد شرکتی شدن بورس‌های اوراق بهادار در جهان به گونه‌ای پیگیری شده که تا سال ۲۰۰۹ میلادی، ۸۳ درصد از بورس‌های عضو فدراسیون - از جمله بورس تهران - از ساختار شرکتی انتفاعی برخوردار شده‌اند که این رقم، دو برابر همین نسبت در ۱۰ سال پیش است.

حذف واسطه‌ها: حذف واسطه‌گران مالی از معاملات اوراق بهادار یا کاهش نقش آنها، اگر چه کاهش هزینه‌های معاملاتی را به دنبال دارد، اما نیازمند بکارگیری فناوری‌های مدرن و به روز است. بررسی روند کارمزدهای معاملاتی بورس‌های اوراق بهادار نشان می‌دهد که هزینه معاملاتی بیشتر بورس‌های دنیا در اواخر قرن بیستم کاهش چشمگیری داشته است که این امر، به نوعی نشان دهنده توسعه بکارگیری سامانه‌های معاملاتی پیشرفته و کاهش

اگر بورس اوراق بهادار را به عنوان بازاری نظام مند تعریف کنیم که در آن، ناشران در پی تأمین منابع مالی و کارگزاران (اعضا) به دنبال خرید و فروش اوراق بهادار هستند، در این صورت این بازار باید چهار ویژگی را ارایه کند.

- مکانی فیزیکی یا مجازی برای تعاملات خریداران و فروشندگان باشد.
- توانایی اخذ و انتشار اطلاعات پیش از معامله و پس از آن را برای همه فعالان بازار به شیوه‌ای کارآمد و بدون تبعیض داشته باشد.
- چارچوب مقرراتی قوی و مؤثری را - بدون ایجاد مشکل در فعالیت عادی بازار - برای حمایت از حقوق سهام‌داران در برابر اقدامات غیرمنصفانه و غیرقانونی تدوین نماید.
- وظیفه محافظت از فعالان بازار را در برابر ریسک قصور طرف مقابل به عهده بگیرد.
- این ویژگی‌ها، اگر چه خصوصیات پایه بورس‌های اوراق بهادار هستند و از تأسیس نخستین بازارها در قرن ۱۴ میلادی با جدیت پیگیری شده‌اند، اما تحولات اخیر صنعت اوراق بهادار، باعث شده‌اند که بورس‌های اوراق بهادار به رغم حفظ نقش مهم و تأثیرگذار خود در توسعه اقتصاد جهانی، با آنچه که ما قبلاً به عنوان بورس در ذهن داشتیم، کاملاً متفاوت باشند. بدیهی است که این تکامل در آینده هم ادامه خواهد یافت و بورس‌ها تلاش خواهند کرد با معرفی محصولات جدید و بکارگیری فناوری‌های مدرن، پاسخگوی نیازهای متنوع و روز افزون سرمایه‌گذاران باشند.
- مهمترین تحولات صنعت اوراق بهادار در سال‌های اخیر و تأثیرات این تحولات را بر فعالیت بورس و فعالان آن، می‌توان در ۶ قالب بررسی کرد.